

---

بانی مسالمت‌گرایی و  
فرایندهای سالم‌زیستی نهضت پیامبران

مؤلف: سلیمان ملا

---

ملا، سلیمان.

مبانی مسالمت‌گرایی و فرایندهای سالم زیستی نهضت پیامبران

تهران: احسان ۱۳۹۶

عداد صفحات: ۲۲۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۱۲۱-۲

کتابشناسی: ۳۷۸۰۶۱۷

تهران، خیابان ارباب، سروی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۴۰۶.

[www.nashrehsan.com](http://www.nashrehsan.com)

تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴



مبانی مسالمت‌گرایی و فرایندهای سالم زیستی نهضت پیامبران

مؤلف: سلیمان ملا

ناشر: نشر احسان

چاپخانه: چاپ مهارت

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۱۲۱-۲

## فهرست

- پیش درآمد ..... ۹
- نگاهی با تکوین شخصیتی انبیاء و پا گرفتن خصوصیت مسالمت‌خواهی در بافت جسمی و ساختار جوی آنان ..... ۲۱
- پرورش یابی تئوریت‌های مستقیم و ویژه‌ی الهی ..... ۲۲
- نبود ناهنجاری‌های در نبراه‌های در تکوین شخصیتی پیامبران، و اولویت خودسازی قبل از ورود به حیطه خودسازی ..... ۲۵
- تشریح اهداف و برنامه‌ها، شفاف‌سازی در خصوص آن، و مشخصه‌های ویژه‌یشان در نهضت پیامبران ..... ۳۳
- الف) صراحت‌گویی در بازگفت اهداف و برنامه‌ها ..... ۳۵
- ب) شجاعت بی‌نظیر، و بی‌اعتنایی به تهدید تهدیدگران ..... ۳۸
- ج) متأثر نشدن از تطمیعات مادی ..... ۴۱
- اصول روشنگری و ابزارهای اصلاحگری در حرکت تمامی پیامبران یکی است ..... ۴۷
- دلایل یکپارچگی موجود در اصول روشنگری و ابزارهای اصلاحگری همه‌ی پیامبران ..... ۵۱

- نخستین اصل مسالمت‌گرای صلح‌محور: تلاش برای تحقق ثبات اجتماعی و تعقیب مولدهای خشونت..... ۵۷
- سرآغاز روند مسالمت‌گرایی نهضت انبیاء ترمیم شکاف‌های درون جامعه‌ای... ۶۱
- مقارنه‌ای میان نگاه نهضت انبیاء علیهم‌السلام به مقوله‌ی صلح و نظریه‌پردازی‌های سیاسی معاصر..... ۶۵
- ادراخ افکار و زمینه‌های اعتقادی..... ۷۱
- الف) اکسازن زمینه‌های اعتقادی از آلاینده‌گی..... ۷۴
- ب) انحصار ری نگ‌ها در عظمت و قدرت بی‌نهایت خداوند..... ۷۶
- ج) مبارزه با تقدیر اسباب قدرت و مشروعیت بخشی آسمانی به حاکمیت آنان..... ۸۰
- د) بر حذر شدگی از تقلید کور حورا ی رهبران مذهبی..... ۸۹
- اصلاح نفس روش مسالمت‌گرای دیگر..... ۹۵
- الف) مانع سازی جلوی فعال شدن یکی از تریبک‌های خشونت آفرینی ۹۶
- ب) درونسازی و تهذیب روحی..... ۹۸
- سؤالی که خود را مطرح می‌نماید..... ۱۰۳
- رفع شبهه‌ای که احیاناً برجسته شود..... ۱۰۷
- اصلاحات اجتماعی..... ۱۱۵
- الف) تلاش برای فراگیر ساختن عدالت حقوقی..... ۱۱۶
- ب) ترویج و توسعه‌ی عدالت اجتماعی..... ۱۱۷

- اصلاحات اقتصادی ..... ۱۲۷
- ۱- مبارزه‌ی همه‌جانبه‌ی انبیاء علیهم‌السلام با مفسد و انحرافات اقتصادی ..... ۱۲۸
- الف) صرفه‌جویی در هزینه‌ها و بیاد داشتن نعمت‌های آفریدگار ..... ۱۲۸
- ب) خط بطلان کشیدن بر روی بزرگ انحرافهای اقتصادی تعاون ستیز ..... ۱۳۱
- ۲- اعمال معیارهای اخلاقی صحیح، و پرهیز از خصوصیت‌های مجرمانه در معاملات مالی ..... ۱۳۲
- ۳- تلاش برای تحقق عدالت اقتصادی ..... ۱۳۳
- ۴- مذمت رقابت‌های مالی و اعتقاد به محرک‌ها ..... ۱۳۸
- استدلال‌گرایی اصل مسالمت‌گرای دیگر ..... ۱۴۳
- الف) برهان نظم ..... ۱۴۶
- ب) برهان هدایت ..... ۱۴۸
- ج) برهان ابطال چند خدایی ..... ۱۵۰
- د) برهان استکمالی ..... ۱۵۷
- دیالوگ و دانش‌افزایی ..... ۱۶۳
- ۱- ارتقای ادراکات توده‌ای ..... ۱۷۲
- ۲- دریافت مبتنی بر تحقیق ..... ۱۷۳
- خدمات‌دهی، دیگر اسلوب مسالمت‌گرا ..... ۱۷۷
- ۱- اتقان در انجام وظایف و مسئولیت‌ها و بهکاری ..... ۱۷۹
- ۲- مدیریت مدبرانه ..... ۱۸۲

- اهدافهای نهضت پیامبران در امر خدماتدهی..... ۱۸۷
- هجرت گامی دیگر در باب مسالمت‌گرایی..... ۱۹۵
- تعریف جامع هجرت..... ۱۹۵
- موامل دخیل در شکل‌گیری آن..... ۱۹۶
- تاریخ تشبیه‌ای و جواب آن..... ۲۰۱
- صبر و شکیلی..... ۲۰۵
- پرسشی که خردتأثیر را برجسته می‌نماید..... ۲۱۱
- مهرورزی اصل نه‌ادینا شده، دیگر..... ۲۱۷
- نرم‌خویی..... ۲۲۱

## پیش درآمد

پاس و ستایش، تمجید و توقیر، خدایی را که عبودیت و عبادت، شیفتگی و دلدادگی جز برای او محال و ضلالت است.

آن سلطان مری که سر خداوندگارش در بطن شگفتی‌های آفرینش به مانند ماه تابان و خوشبخت درختان، نمایان و هویدا است.

آن رب رحمان و حکیم منار که رحمت فراگیر و لطف بی‌کرانش در مجموعه‌ی پدیده‌های تکوینی و توار، تدوینی، مردمان حقیقت جو را به سوی معرفت بی‌انتها، و کمال والایش فر می‌برد.

آن خدای سبحان، و تنویرگر اذهان، که تقدیس و تسبیح و تنزیهش تا سکوت و سکون همه‌ی پدیده‌ها، و انحلال تمامی علل و بوندها، در هر زمان و مکانی، بر زبان حال و لسان قال ماسوایش، تداوم یافته و لاینقطع است.

جمله ذرات عالم در نهان با تو دیندار روزان و شبان  
ما سمیعیم و بصیریم و هوشیم با شما نامحرمان ما، موشیم  
بارالها! ما آدمیانیکه واحدهای ذره‌ای و بسیار کوچک، آفریده‌های  
بی‌شمارت هستیم با منویات مومنانه و افعال مسلمانانه‌ی خود، بی‌همتایی و  
بی‌انبازیت را همگام و هماهنگ با دیگر اجزای این هستی پهناور، و دنیای دارای  
اسرار که مرتباً مشغول تسبیح و تقدیسند اعلان و اعلام می‌نماییم. با زبان بی‌زبانی

و لبان لرزان و چشمان گریانی، شاکر و سپاسگذار نعمت‌های نامعدود و خارج از حد شمارش تو هستیم.

پس ای خدا! توفیقات روز افزون و همیشگی را از ما بی‌چیزان بینوا، و دلدادگان وادی تفرّد و توحیدت در این سو و آن سوی، دریغ نفرما. در پرتو الطاف کریمانهات ما و جامعه‌ی ما، و همچنین کلیه‌ی فرزندان امت اسلامی در تمامی نقاط دیر و نزدیک را، در سایه‌ی حفظ و حمایت‌های رحمانی خودت بدار و همه‌ی ما را از تاریک‌آفرینی سیه‌خواهان و شرارت پیشه‌گان در امان ده. درود و سلام همیگی بر آن ستاره‌ی بی‌همتا و دُر نایاب آسمان نبوت و رسالت، و اختر تابناک عرصه‌ی دنیای ما، کاریزمای ممتاز و متمایز میدان دنیاداری و تقوایی، و الگوی ناب زهد انسانی حضرت محمد مصطفی.

ای خدا! بر آستان قدسیت، بر ما مسایم که ما را از بزرگترین افتخار و سعادت زندگی بی‌بهره نفرمودی، آن هم سندی بر کسب و مدرسه‌ی آن سرور فرزانه و گام نهادن بر راه و روشش، و اکتساب فیض و برکت از محضر پر فیض اوست. برکات، عنایات، و نظرات ویژه‌ات را بر احوال ما شایف ایشان افزون‌تر بگردان، و همچنین خاندان پاکیزه و همسران اطهر، و اصحاب با وفا و صادقش را، ترفیع درجات و قُرب منزلت بخشای.

از جمله مباحث دارای اهمیت، در نهضت انبیایان الهی و حرکت اصلاحی آنان، و همچنین روند فکری‌شان، که جلب توجه می‌کند و نگاه دقیق‌نگر را به سوی خودش معطوف و ملتفت می‌گرداند؛ تا اینکه چشم‌اندازی صحیح‌جو و نمایی سالم زیست از حرکت‌رهایی بخش و جنبش تاریخ‌ساز آنان در مقابل دید همگان ترسیم شود خصوصیت‌های آن دعوت و فراخوان فرخنده‌ای است که پیشاهنگان خیزش‌های وحیانی و دینمدار، در چهار چوب پروژه‌ای مسالمت‌آمیز، آگاهی



بخش و هدایتگر، برای رهبری جوامع انسانی، در طول تاریخ، ملتها و مردمان را به سوی فراخوانده‌اند.

نگارنده معتقد است که پرداختن به این مطلب اساسی، و بررسی جوانب گوناگون آن در یک نگاه تعمیقی و تحلیلی، که به لحاظ دسته‌بندی مشخص شود خیزش‌های انبیاء علیهم‌السلام در ردیف جریان‌های تاریخی تحول‌خواه و مسالمت‌گرا جای می‌گیرند و یا این‌که در لیست قیام‌های خشم‌آفرین - خشونت‌گرا قرار دارند امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری تلقی می‌شود.

آیا روند و رویکرد حرکتی آنان، ثبات‌آفرین و صلح‌طلبانه بود و یا چیزی مخالف آن؟ مسأله و این مسئله و پرداختن به این موضوع را هم معلول علت‌های زیر می‌توان بدانیم:

۱. برای تصحیح دیدگاه‌ها، مغایرت و منفی‌گرایی برخی از افراد و مجموعه‌ها، که یا از روی تعمد و قاصدان، یا در نتیجه عدم شناخت و ناآگاهی، با عینکی تیره و تار به مکتب انبیاء می‌نگرند. و باید اصلاحی آنان را آن‌گونه که هست نمی‌توانند تشخیص دهند، و همچنین از اطلاعات صحیح و سالم در این زمینه هم چیزی در چنته ندارند، که البته این امر، باعث پدید آمدن ذهنیتی ابهام‌آلود و ناشفاف، نسبت به جنبش آن بزرگواران نزد آن مجموعه‌ی بدست‌شده، و لذا با آن هم تعاملی نادرست را اعمال می‌نماید.

۲. به خاطر این‌که ما در دنیایی زندگی می‌کنیم، که شاهد سلسله‌های هولناکی از به راه انداخته شدن خشونت‌هایی هستیم، که به نام ادیان، آن هم یا نسوی اتباع دیانت‌های سه‌گانه‌ی اسلام، مسیحیت، و یهودیت، و یا بنام آن‌ها در خیلی از نقاط جهان، اتفاق افتاده و یا در شرف وقوعند. همین امر بهانه‌ی مناسبی را در اختیار ملحدان، و دین‌ستیزان قرار داده تا از این رهگذر، بر ادیان آسمانی بتازند و حمله‌ور

شوند، و بدین ترتیب تعلیمات آسمانی و آموزه‌های دینی را عامل اصلی تولید انبوه اعمال و رفتارهای خشونت‌آمیز، در افکار جمعی جهانی معرفی نمایند.

این در حالی است که تعلیمات پیامبران برگزیده‌ای که پیروان ادیان، بدان‌ها منتسب هستند از چنین خشونت‌هایی، بیزار و با آن کاملاً بیگانه‌اند.

واقع آنان جز این نبودند که سفرای صلح و سالم زیستی، مهربانی و مروت، صفا و صمیمیت برای اجتماعات انسانی باشند.

ان تجسم ارونهای که ما در این مسئله شاهدش هستیم، تا صلح‌بانان و صلح‌گرایان را خشونت‌خواه و خشونت‌پرور، قهرگرایان و خشونت‌خواهان را صلح‌جو و آشنی‌بینیم و ایت آشکاریست از مقاصد کینه‌توزانه‌ی دین‌ستیزی که این ذهنیت مسموم رهبران را دامن می‌زند؛ تا از یک سو عرصه را بر روی فعالیت‌های دینمداران تنگ و تنگ نمایند، و دین‌گریزی را بر فضای ذهنی و اندیشه‌ای کلیه‌ی جوامع و جمعیت‌ها - کم‌فاینا گردانند و راه را برای دستبرد زدن به معنویات و تدین‌خواهی، وزیر کشیدن رزشهای والا و متعالی و انحطاط اخلاقی بازتر گذارند.

از دیگر سو هم با توسل به چنین شگردی، فتنه‌رسانیت‌های صورت گرفته و یادگار حال انجام خود را، سرپوشی آن‌چنانی نهند که دست‌پا‌بندی‌های چهره‌ی کریه و افعال پلیدشان، به کلی از انظار مخفی شود، و در پرده‌ی اسرار قرار گیرد.

۳. ذی‌اهتمام بودن این موضوع را می‌توان به داستانهای «ارد» و قصص حکمت‌آمیز و حکمت آموز انبیاء در قرآن هم برگرداند که روی آن باید صد باره و هزار باره، نگاه‌های تحلیلی تعمق‌نگر، داشته باشیم.

در طبقه‌بندی‌ای که اهل علم، راجع به مجموعه‌ی آیه‌های قرآن صورت داده‌اند یک سوم معارف قرآنی، و آیات نورانی کلام خدا را به داستانهای بیان‌شده‌ی پیامبران، در قرآن اختصاص می‌دهند. این خود، نشانگر اهمیت این موضوع است. که ما نباید

سطحی نگرانه از کنار آن گذر کنیم؛ زیرا رهنمودهای قرآنی، این نکته را تصریح می‌نمایند که تعقل، و تدبیر در سرگذشت انبیای عظام، در برگیرنده‌ی درسهای آموزنده، و آموختنی مفید و سودبخش است که در بسیاری از موضوعات و مباحث حساس و مهم، اعم از ابحاث اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و... و یا منجمله بحث مورد نظر ما که عبارت است از «مسالمت‌گرایی، صلح‌جویی و سالم زیستی» می‌تواند معضل‌ترین مشکل‌های بحران آفرین، و تهدیدها را برای جوامع انسانی را در نهایت سهولت و آسانی، در زمینه‌ی هر یک از مباحث، حل‌ناشدنی و حل‌ناشده و حلاجی نماید، و افق‌های روشنی را در خصوص هر یک از زمینه‌ها، به همراه بشری بگشاید و در رساندن سالکان هریک از زمینه‌های مذکور، به تأمین نیازنדיها، که برای بهتر زیستی بشریت و به تکامل رساندن او احساس می‌شود خود را از یقه‌ها، میانبر بنمایاند؛ لذا آیات روح بخش قرآن کریم، ما را به تعقل‌ورزی و ژرف‌نگری، در داستانهای مبارک پیامبران فرا می‌خواند و می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ  
وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ لِمَا فِي سُلُوكِهِمْ مَّا هُوَ وَرَحْمَةً لِّعَالَمٍ  
يُؤْمِنُونَ﴾ (یوسف: ۱۱۱)

«به حقیقت که در سرگذشت و داستانهای آنان (پیامبران) درزهایی  
برای خرد ورزان و (دارندگان اندیشه‌های تابناک) نهفته است.»

بدون شک، داستانهای حکمت‌آموز انبیاء کرام علیهم‌السلام حاوی در دقایق، و درخور تأملی هستند.

که در بطن نصایح گوناگون‌شان، در زمینه‌های متعدد و مختلف، مضامین و نهفته‌های شگفت‌انگیز، و دروس انسان‌ساز آن‌چنانی را حمل می‌کنند که تعلیمات

هدایت‌گرشان چراغ‌های پرفروغ، و شعله‌های فروزانی را در مسیر دعوت دین‌مدار و خدا‌محور ما مسلمانان، فرا راه حرکتمان قرار می‌دهند.

که در نیل به قله‌های رفیع‌ترقی و تکامل مادی، و اندوخته‌های شورانگیز معنوی و روحانی، ما را امدادگر و حامی مقتدر خواهند بود.  
آن فرمایش می‌کند.

﴿وَكَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنْتِثُ بِهِ فَوَادِّكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ عِزَّةً لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (هود: ۱۲۰)

«نهمین بار اخبار پیامبران، بر تو فرو می‌خوانیم کلاً برای این است که بدان، ما را استوار بداریم (و در برابر مشکلات تبلیغ رسالت، آن را تقویت نسازیم) پس تو در ضمن این (اخبار مذکور) حق آمده است، و برای مومنان پروردگاری (مهمی) ذکر شده است. (که می‌توانند از آن مدد جویند و راه سعادت پویند).»

هر چند بنده‌ی بی‌بضاعت، که معرف به قصور علمی خود هستم این مسئله‌ی حساس و مهم را تحت عنوان «مهمترین اصول دعوت مسالمت‌آمیز انبیاء» در یک نگاه اجمالی و گذرا در کتاب «اسلام و نفی خشونت و اطراط‌گرایی» مورد بررسی قرار داده‌ام که بحمدالله کتاب مذکور، در دسترس علاقه‌مندان دانش‌های قرآنی هم قرار گرفت و به چاپ رسید - حقیر در آن مطلب، روی اصالت داشتن مسالمت‌خواهی و صلح‌گرایی از نقطه نگاه پیامبران، تا حدودی بحث کرده‌ام، و از آن سخن به میان آورده‌ام، ولی از آنجایی که این موضوع توضیح طلب، با توجه به دلایلی که قبلاً گفته شده وارد شدن در جزئیات این مقوله را به طور مبسوط و مشروحی مستقلاً می‌طلبد، و بررسی جوانب گوناگون مسالمت‌آمیز بودن نهضت فکری، و جنبش اصلاحی انبیاء علیهم‌السلام امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود؛ لذا مجدداً بر پیگیری این موضوع، ملتفت شدم، تا از طریق آرایه‌ی دلایل

یقین‌بخش، و شفاف‌ساز شایسته، در خصوص تعیین خطوط اصلی مسالمت‌گرایی در نهضت پیامبران، و خصوصیت‌های بارز حرکت ثبات‌آفرین آنان و شاخص‌های نهادینه شده‌اش در این زمینه، جلوه‌های وسیع و گسترده‌ی مفاهیم مسالمت‌گرایی، و اخلاق سالم زیستی که پیامبران الهی آن‌ها را عملاً در زندگی خود منعکس نمودند، و در عین حال مفسر راستینی برایشان هم شدند با چشم خود ببینیم. و در آن‌ها خوب متأمل شویم. همچنین از طرفی دیگر، عکس این گفتار را که عبارت است از قهرگرایی، خشونت‌خواهی، و هراس‌افکنی، این را هم در مکتب بدون منطق دین سیرت و مآدین حرکت پیامبران، آشکارا ببینیم و نظاره‌گر شویم.

مطمئن در بر سر مطالبی که متذکر می‌شویم. می‌توانیم به این حقیقت مهم برسیم که آیا سرشته‌ی مسالمت‌خواهی، صلح‌پویی و سالم‌زیستی، از مکتب پیام‌آوران الهی می‌جوشد و با از جهانبینی‌های دین‌گریزانی که پدیدآورندگان ادبیات خشونت‌گرایی و فرسند از نام‌خواهی و تنفرزایی بوده و هستند؟ و آن را در سطح خیلی گسترده‌ای هم تعمیق نم‌دند و توسعه دادند.

تلاش ما بر این است که مطالب برضه شده، انعکاس خوبی باشد از کلیات مطرح‌شده‌ی آیات روشنی‌بخش خداوند تعالی در محورهای اصلی دعوت انبیاء ﷺ و نهضت اصلاحی، و خیزش فکر آنان که در ارتباط با آن‌ها التفات‌های راهگشایی آمده و بدان‌ها پرداخته شده که این است. است در آیه‌های قرآن کریم، شاخص‌های ملموس و آشکاری در نهایت استوار و اختصار، راجع به یکایک آن‌ها عنوان شده و جدا گردیده خواهیم یافت؛ زیرا قرآن کریم به حکم جاوید بودن، و اینکه خارج از چارچوب طراوشات ذهنی آدمیان است، و کلام خداوند رحمان است، در هر زمینه‌ای و راجع به هر مطلبی، کلیاتی را اختصاراً مطرح می‌نماید؛ تا اینکه دورنمای راهنما بودن خود را طی اعصار و قرون متوالی، برای جوامع بشری در هر زمینه‌ای که نیازمند آن است ترسیم نماید. همین پردازش

کلیه مطلب‌ها و مباحث‌ها، کلی‌نگری و ایجاز‌گویی را می‌طلبید که در ذیل هر یک از مقولات کلی‌گو، جزئیات فراوان و معارف عمیقی نهفته گردد، و با غور و غوطه خوردن، در بطن تک تک آن‌ها بتوان نیازمندی‌های مربوط به هر زمینه‌ای از آن‌ها استحصال نمود، و مسایل مشکل‌آفرین را هر قدر مُعَقَّد و پیچیده هم باشند چاره‌جویی و حلاجی کرد. گفتنی است که دانشمندان علم اصول فقه هم در بطن این را مقرر نموده‌اند، و آن را اعمال می‌نمایند که از آن به «ردالفروع الی الأصول» تعبیر می‌کنند. یعنی ارجاع دادن جزئیات مربوطه، به هر یک از کلیات طرح شد و استناد و استخراج فروعیات بی‌شماری، از معدود اصول محصور و مشخص موجود.

امیدوارم مباحث که در این نوشته مطرح می‌شود، محرک و مشوق مقتدری باشد؛ تا پژوهشگران، بحاث و جوانی و استخراج‌کنندگان معارف قرآنی از متون اصیل و اصلی آن، که هر آنکه قرآن و سنت صحیحه است تکمیل‌کننده‌ی پروژه‌ای باشند که بنده‌ی حقیر رساندن آن را به نقطه مطلوب و کمال آن، از توان این قلم، خارج می‌دانم.

سینه‌ی تنگ من و بد رغبت از هیبت

مرد این بار گران نیست دل بس کینم

باشد تا با تلاش‌های جمعی و همگانی، افق‌های جدید را در این موضوع داغ روز و مورد بحث در دنیای کنونی و محافل گوناگون علمی، کسب کرده باشیم. و با تولید معارف صحیح از متون اصلی دین مبین اسلام به تصحیح دیدگاه‌های مختلط و مغلوطنی پردازیم که مکتب پیامبران را فاقد پتانسیل‌های مسالمت‌گرایی و ثبات‌آفرینی می‌دانند، و یا اینکه چنین گفتمانی را در نقطه نگاه‌های آن کمرنگ می‌بینند.